



روسیه و بحران در قفقاز شمالی

موسی‌الرضا وحیدی^۱

بحران اخیر در منطقه قفقاز شمالی با عملیات مبارزان چچنی در جمهوری داغستان، اعلام استقلال و تشکیل دولت اسلامی در این جمهوری آغاز شد. به دنبال آن، نیروهای نظامی روسیه تحت عنوان سرکوب تروریسم، وارد خاک جمهوری چچن شدند. اگرچه نمی‌توان تحریکات و کمک‌های خارجی را در ایجاد و تداوم آن نادیده گرفت، اما باید اذعان کرد که این بحران ریشه در عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قومی دارد. دولت روسیه در خلال سالیان گذشته سیاست‌هایی را تعقیب نکرده است که مردم چچن با دولت روسیه احساس هویت مشترک یابند. عزم مسکو برای اعاده کنترل بر این جمهوری به فرض پیروزی کامل نظامی، با توجه به پیشینه تاریخی و وضعیت خاص جغرافیایی منطقه قفقاز شمالی بعید است که باعث برقراری صلح و آرامش کامل در منطقه گردد. پیروزی که از طریق نظامی و در پی بروز یک فاجعه انسانی حاصل شود نمی‌تواند مشکل روابط چچن‌ها را به‌عنوان یک ملت با دولت روسیه حل نماید.

با عملیات نظامی روسیه در تاریخ ۱۶ مردادماه ۱۳۷۸ (۱۷ اوت ۱۹۹۹)^۲ در جمهوری چچن و آغاز مرحله دوم مخاصمات در منطقه قفقاز شمالی، این دغدغه فکری ذهن تحلیل‌گران سیاسی و صاحب‌نظران را به خود مشغول داشته است که ریشه این درگیری‌ها در کجاست؟ و چرا تاریخ در این منطقه تکرار می‌شود؟ در بین صاحب‌نظران مسایل منطقه دو دیدگاه در مورد ایجاد و تداوم بحران بین فدراسیون روسیه و جمهوری چچن وجود دارد: دیدگاه اول تحریکات و کمک‌های خارجی را در این جهت مؤثر دانسته، مدعی است که غرب به رهبری آمریکا تلاش می‌کند تا با تقویت نفوذ خود در منطقه استراتژیک ماورای قفقاز،

۱. آقای موسی‌الرضا وحیدی کارشناس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است. نویسنده لازم می‌داند از کمک‌ها و راهنمایی‌های آقای دکتر سیدحسین سیف‌زاده که به لحاظ تهیه این مقاله مساعدت نموده‌اند مراتب سپاسگزاری خود را اعلام دارد.

2. «Dagestan Conflict: A Day - by - Day Timeline», in the Internet by Center for Defence Information, 1999.

ضمن محدود کردن حوزه امنیتی روسیه، کنترل منابع ارزشمند انرژی حوزه خزر و مسیرهای انتقال آن را در اختیار بگیرد. لذا با حمایت از جریانهای اسلامی تندرو در منطقه قفقاز شمالی، استراتژی تضعیف و احتمالاً تجزیه فدراسیون روسیه را در درازمدت تعقیب می‌نماید.

دیدگاه دوم، با رد ادعاهای دیدگاه اول، عامل بحران روسیه و چین را از تمایلات رهایی‌جویانه مردم چین ناشی می‌داند. استدلال طرفداران این نظریه بر این است که با مطالعه تاریخی می‌توان مشاهده نمود که از اختلاط بنیادهای فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی چین در فدراسیون روسیه، به‌طور عامدانه جلوگیری شده است. سیاستهای همراه با تبعیض و تحقیر روسیه نسبت به مردم این جمهوری در طول سالیان سلطه مسکو بر این منطقه، باعث شده که آنها در هیچ‌یک از بنیادهای فوق با روس‌ها احساس هویت مشترک پیدا نکنند.

از مقابله دو دیدگاه با واقعیات تاریخی، به‌نظر می‌رسد که دیدگاه دوم بیشتر از پشتوانه تجربی برخوردار باشد؛ به عکس تفسیر اولیه از بحران چین، گویا بیشتر حالت توطئه‌گرایانه برای ادامه سلطه روسیه بر چین دارد. با عنایت به این بحث مقدماتی سؤال اصلی این مقاله این است که تا چه حد گسستگی فرهنگی و بحران هویت ناشی از تبعیض‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی در تمایلات گریز از مرکز چین‌ها نقش داشته است؟ سؤال مکمل این است که نقش عامل خارجی در اصرار مردم چین بر جدایی‌خواهی به چه میزان است؟ و سؤال فرعی سوم اینکه پاسخ روسیه به این خیزش چه خواهد بود؟ و سؤال فرعی چهارم، فرجام بحران روسیه و چین به چه نحو خواهد بود؟ در پاسخ احتمالی به سؤال اصلی فوق، فرضیه مقاله این است که علی‌رغم صورت ظاهری پیوستگی این جمهوری به مسکو، در واقع مردم آن از روس‌ها از لحاظ هویتی جدا و بیگانه هستند. اگرچه نمی‌توان نقش تحریکات و کمک‌های خارجی را در تداوم آن نادیده گرفت، اما عوامل داخلی به مراتب قوی‌تر است و زمینه را برای بهره‌برداری قدرتهای خارجی فراهم می‌سازد. با این حال می‌توان پذیرفت که عامل خارجی توانسته به‌عنوان عامل مکمل و واسطه‌ای ایفای نقش نماید. با این توضیح به‌نظر می‌رسد، استفاده روسیه از نیروی نظامی تنها باعث تشدید و تعویق و نه خاتمه بحران خواهد شد.

به‌منظور آزمون فرضیه فوق، بحث را به چهار گفتار تقسیم کرده‌ایم. در گفتار اول سابقه



تاریخی بروز بحران را مرور می‌کنیم، تا مشخص شود که میل به واگرایی از ابتدا وجود داشته، یا اینکه بر اثر سیاستهای روسیه، روحیه واگرایی ایجاد شده است. در گفتار دوم، به زمینه‌های داخلی واگرایی چچن از روسیه و به نقش احتمالی عوامل خارجی در تمایلات گریز از مرکز مردم چچن می‌پردازیم. در گفتار سوم استراتژی روسیه در قبال بحران اخیر در چچن و سرانجام در گفتار چهارم، پیامدهای بحران برای روسیه و کشورهای منطقه بررسی خواهد شد.

گفتار اول - بحران روسیه و چچن: مرور تاریخی

از زمان سلطه روسیه تزاری بر چچن، هیچ‌گاه حقانیت این اقتدار از طرف چچن‌ها پذیرفته نشد. مطالعه تاریخی نشان می‌دهد تماس روسیه با چچن‌ها از پایان قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ به دنبال تلاش روسیه تزاری جهت توسعه قلمرو خود به سمت سرزمین‌های اسلامی- آسیایی همزمان با ایام فرمانروایی کاترین دوم آغاز شد.^۱ این تلاش روسیه با مقاومت سرسختانه کوه‌نشینان قفقازی مواجه گردید. مقاومت به حدی شدید بود که تصرف این منطقه کوچک توسط روس‌ها، به مدت یک قرن به تأخیر افتاد. اگرچه کلیه کوه‌نشینان قفقاز از این خصلت گریز از قیومیت خارجی برخوردارند، ولی چچن‌ها به لحاظ تعداد قیام‌های ضداستعماری در حواشی سرزمین روسیه در مقام اول قرار دارند. سابقه تاریخی نشان می‌دهد که به محض تضعیف قدرت مرکزی روسیه، مردمان این جمهوری از هر فرصتی برای قیام علیه دولت مرکزی استفاده کرده‌اند و بزرگترین قیام‌ها توسط شیخ منصور و امام شامل انجام شده است.

الف) قیام شیخ منصور^۲

او اولین رهبر بزرگ چچن‌ها بود که در مقابل پیشروی روس‌ها به منطقه قفقاز در سال ۱۷۸۵ قیام کرد.^۳ وی مبارزه خود را تحت عنوان اسلام و آزادی مردم کوه‌نشین از سلطه روس‌ها آغاز کرد و بعد از شکست ارتش روسیه در نبرد رودخانه سونجا خود را امام خوانده، با

1. «Chechnya», Report of an International Alert Fact Finding Mission, Sep 24, 1992.

2. Sheikh Mansur

3. Franco Venturi, «The Legend of Boetti Seikh Mansur», Central Asian Survey, Vol.10, No.1, 2, 1997, pp.93-101.



اعلام جهاد، کوه‌نشینان را بر ضد دست‌اندازی‌های کافران روسی فرا خواند. او توانست به مدت چند سال، تمام سرزمین‌های قفقاز شمالی را یکپارچه سازد. پس از دستگیری شیخ منصور، حکومت نظامی روسیه در منطقه برقرار شد ولی مبارزه استقلال‌طلبانه کوه‌نشینان چچنی بر ضد سلطه روس‌ها پایان نیافت.

ب) قیام امام شامل^۱ (۱۸۵۹-۱۸۳۰)

مهمترین مرحله در مبارزه استقلال‌طلبانه مردم چچن، جنبش ملی مقاومت به رهبری امام شامل است. او یک مسلمان روشنفکر از فرقه صوفی‌گرای نقشبندیه^۲ و از اهالی داغستان بود که به عنوان شیخ یا مرشد رهبری سیاسی و معنوی مریدان را برعهده گرفت. وی تنها راه استقلال قفقاز را، متحد کردن مسلمانان قفقاز تحت یک سیستم اداری که در آن قوانین اسلامی و شریعت حاکم باشد؛ می‌دید. بدین سبب سالهای حکومت شیخ شامل را بعدها عصر شریعت نامیدند. با این همه او مذاهب دیگر را محترم شمرده، قبایل مسیحی هوادار خود را در اجرای آداب و رسوم دینی کاملاً آزاد می‌گذاشت.^۳ در دوره مبارزه وی که با ایجاد دولت چچن همزمان بود، چچن‌ها و داغستانی‌ها تحت رهبری او توانستند بخشی از سرزمین خود را آزاد سازند. مقاومت شیخ شامل چند دهه طول کشید اما سرانجام با اسارت او و سقوط چچن و مهاجرت حدود ۱/۵ از چچن‌ها به عثمانی پایان یافت.

پس از فروپاشی شوروی و تشکیل ۱۵ کشور مستقل، تمایلات استقلال طلبانه نیز در این جمهوری تشدید شد. در سال ۱۹۹۰ کنگره سراسری ملت چچن، اعلامیه استقلال ملی این جمهوری را تصویب کرد. به دنبال حادثه ماه اوت ۱۹۹۱ مسکو، دولت هوادار کودتا سرنگون و رژیم رادیکال ملی به رهبری ژنرال جوهر دودایف در جمهوری چچن - اینگوش روی کار آمد. اندک زمانی بعد، جمهوری چچن از اینگوش جدا شده، رسماً استقلال خود را از روسیه اعلام نمود.^۴ سه سال بعد هنگامی که روسیه می‌خواست دوباره کنترل خود را در این جمهوری اعمال نماید، منجر به جنگی خونین و طولانی مدت شد که بدون هیچ نتیجه‌ای در

1. Imam Shamil

2. Naqshbandi

3. Paul B. Henze, «Fire and Sword in the Caucasus», Central Asian Survey, Vol.2, No.1, 1983, pp.5-44.

۴. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۲۲۵، مورخ ۷۳/۴/۵.

سال ۹۶ به پایان رسید. در پی آن، دو طرف در مورد عقب‌نشینی نیروهای روسیه از این جمهوری و تعویق تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت آن تا سال ۲۰۰۱ به توافق رسیدند، به‌دنبال آن چچن اعلام استقلال کرد و در سال ۹۷ تحت نظارت بین‌المللی اقدام به برگزاری انتخابات نمود که در نتیجه اصلان ماسخادوف که با حاکمیت روسیه بر چچن مخالف بود، رئیس‌جمهور شد.^۱

گفتار دوم - چچن و روسیه: زمینه‌های واگرایی

زمینه‌های واگرایی چچن از روسیه عمدتاً داخلی است، اگرچه عوامل تسهیل‌کننده خارجی نیز موجب ظهور عینی مقاومت شده است. طی دو گفتار دوم و سوم به ترتیب این دو دسته از عوامل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

عوامل داخلی واگرایی

شواهد موجود حاکی از آن است که عوامل و زمینه‌های داخلی واگرایی چچن از روسیه چندین عامل است. علاوه بر مسایل سیاسی - فرهنگی، عوامل اجتماعی - اقتصادی و مذهبی هم در این روند تأثیر دارند. طی سه بند این موضوع را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

الف) سیاسی - فرهنگی: از لحاظ تاریخی، فرهنگ سیاسی مردم چچن مانع از هرگونه وابستگی به امپراتوری روسیه و اتحاد جماهیر شوروی بوده است. اگرچه اجحاف و تبعیض حکومت مرکزی روسیه نسبت به چچن‌ها در تشدید حوادث نقش داشته است، ولی از لحاظ اصولی مبارزه برای رهایی از سلطه روسیه، به فرهنگ ضدروسی، بیگانه‌ستیزی، اتکای به خود و استقلال‌طلبی مردم چچن تبدیل شده است. آن بخش از تفکر چچن‌ها که بر مبنای این نگرش شکل گرفته، چنان با زندگی و حیات این قوم عجین شده که نمی‌توان به سادگی آن را از فرهنگ مردم زدود.

قبایل چچنی از انسجام زیادی برخوردار هستند. ساختار دولت آنها همانند دموکراسی‌های اولیه در قرون وسطی است و این امر در طول تاریخ جزو موانع عمده در

1. Sarah K. Miller, *Russia Vs. Chechnya: Round Two, in the Internet*, by Institute for the Study of Conflict, Ideology and Policy, 1999.

مقابل تلاش‌های دولت اریستوکراسی روسیه برای بسط سلطه خود در این منطقه بوده است.^۱ این جامعه نسبتاً آزاد که از دیدگاه روسیه، جامعه‌ای بی‌نظم و قانون است، توانسته است رهبران بزرگ سیاسی و نظامی را در دامن خود تربیت نماید. مبارزه همیشگی برای سرزمین، به آنها ویژگی جنگجویی و آزادیخواهی بخشیده است. هر وقت که روسیه موفق شده بر بعضی از رهبران مقاومت در چچن پیروز شود، آنها فوراً با رهبران جدیدی جایگزین شده‌اند. زیرا مقاومت در برابر سلطه خارجی وابسته به افراد نبوده است تا با حذف آنها مبارزه پایان یابد. مفاهیم استقلال و آزادی و احترام به فرهنگ خویش برای مردم این جمهوری، از زندگی بیشتر ارزش دارد. به همین لحاظ به نظر نمی‌رسد که سلطه نظامی بتواند بحران عدم حقانیت سلطه روسیه بر چچن را حل نماید.

ب) اقتصادی - اجتماعی: نابسامانی اوضاع اجتماعی - اقتصادی و عدم تعادل در وضعیت زندگی مردم این جمهوری، از جمله علل و عوامل تشدید اغتشاش علیه روسیه محسوب می‌گردد. بروز حوادث متعدد در طول تاریخ چچن‌ها، مؤید این نظریه است. چچن‌ها ادعا می‌کنند که هیچ‌گاه در طول تاریخ سهم مناسبی از سود ثروت‌هایی که دولت مرکزی روسیه از سرزمین آنها استخراج کرده، دریافت نکرده‌اند. بنابه ادعای آنها این جمهوری حدود ۹۰ درصد سوخت هواپیماهای روسی را تأمین می‌کند.^۲ روس‌ها اگرچه این ادعاها را رد می‌کنند اما اذعان می‌کنند که میدان‌های نفتی گروزنی مهمترین منبع سوختی برای هواپیماهای جت این کشور محسوب می‌شود. میدان‌های نفتی این جمهوری در اواخر دوران امپراتوری روسیه و اوایل دوران شوروی سابق بعد از آذربایجان در درجه دوم اهمیت قرار داشت؛ اما بعد از جنگ جهانی دوم با کشف میدان‌های جدید نفتی در آسیای مرکزی و سیبری اهمیت خود را از دست دادند.^۳ این جمهوری همانند دیگر جمهوری‌های شمال قفقاز جزو مناطق راکد اقتصادی است که سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی آن پایین می‌باشد. بحران سال‌های اخیر با روسیه به شدت به اقتصاد این جمهوری لطمه زده و اکثر مراکز اقتصادی و صنعتی آن طی جنگ آسیب دیده‌اند. تحریم‌های اقتصادی مسکو و جنگ باعث افت تولید،

1. Antero Leitzinger, «Historical Reflections on the War in Chechnya», Perceptions, Vol.11, No.3, Sep - Nov 1997.

2. «Chechnya», Report of an International Alert Fact Finding Mission, Sep,24, 1992, pp.23-26.

3. Ibid.



کمبود منابع، مهاجرت جمعیت متخصص غیربومی، فاصله گسترده طبقاتی، کمبود کالاهای مصرفی و مواد غذایی، افزایش فقر و میزان بالای بیکاری شده است. حدود ۸۵ درصد جوانان بیکاری که نمی‌توانند برای خود کار شایسته‌ای پیدا کنند، زمینه مناسبی را برای رشد جریانات گوناگون تروریستی و افراطی فراهم ساخته است.

ج) دینی - مذهبی: اکثریت جمعیت جمهوری چچن، مسلمان و حنفی مذهب می‌باشند. دین اسلام که از طریق آوارهای داغستان، پس از حمله اعراب در قرن هشتم به قفقاز راه یافته بود؛ از حدود ۳۰۰-۴۰۰ سال قبل مردم چچن را به خود جذب کرد.^۱ رهبران چچن همچون شیخ منصور و امام شامل از اسلام به عنوان بهترین وسیله برای دور کردن مردم از ویژگی‌ها و سنتهای محلی و جذب و بسیج آنها به منظور ایجاد یک جامعه منسجم و یکپارچه در مقابل روسیه استفاده می‌کردند.^۲ آنها با انتخاب مکتب تصوف توانستند طرفداران زیادی در منطقه جذب کنند. اسلام صوفی از انعطاف زیادی در مقابل دیگر مذاهب برخوردار است؛ از قرن ۱۸ گروه‌های مسیحی و مسلمان به صورت مسالمت‌آمیز با یکدیگر زندگی می‌کنند. یک تناسب طبیعی بین این مکتب و جامعه، جایی که در آن پیوندهای خویشاوندی و قومی قوی می‌باشد؛ وجود دارد. اسلام صوفی در شمال قفقاز همیشه یک نیروی انقلابی، تندرو و تجدیدنظرطلب بوده است. هم گروه نقشبندیه و هم گروه قادریه تمایلات ضدروسی و ضدکمونیستی داشته‌اند. نقشبندیه بیشتر روشنفکر و اعیانی می‌باشد، اما گروه قادریه بیشتر مردمی بوده، به صورت مخفی و زیرزمینی فعالیت می‌کند.^۳

بعد از روی کار آمدن حکومت شوروی و تسلط آن بر منطقه قفقاز شمالی، دولت روسیه اقدام به سرکوب مذاهب، تعطیلی مساجد و مدارس آموزش علوم دینی کرد و سیاستهای تبلیغاتی ضد مذهبی خود را افزایش داد،^۴ اما بنیان مستحکم اسلام صوفی در منطقه، مانع از نابودی آن شد و حتی تبعید مردم منطقه، تقویت بیشتر وفاداری‌های مذهبی آنان را به همراه داشت. ساختار قوی اجتماعی و تأکید بر انسجام خانواده و وفاداری‌های قومی باعث تضمین و تداوم مذهب در بین جوانان جمهوری چچن شده است. یکی از ویژگی‌های

۱. شیرین آکینر، اقوام مسلمانان اتحاد شوروی، ترجمه علی خزعلی (مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۶۶) ص ۱۶۴.

۲. «Chechnya», Report of International Alert, Sep 24, 1992, pp.16-20.

۳. Ibid

۴. Ibid



عمومی زندگی مذهبی مردم چین، که حکومت شوروی قادر نشد آن را از بین ببرد؛ توجه و علاقه آنها به اماکن مذهبی و انجام مراسم خاص مربوط به آنها بود.^۱ اگرچه بعد از تسلط کمونیستها بر منطقه اکثر اماکن مذکور ویران شدند؛ اما خاطره آنها در ذهن مردم باقی ماند و آنها هر سال در آن اماکن برای زیارت و انجام مراسم مذهبی گردهم می آمدند.

در خلال دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به دنبال سیاستهای گلاسنوست و پروستریکای گورباچف، احساسات مذهبی، افتخارات قومی و روحیات ضدکمونیستی و ضدروسی مردم چین که فرصت بروز یافته بود، افزایش یافت. رهبران مذهبی که تا آن زمان به صورت مخفیانه فعالیت می کردند؛ مورد توجه و احترام مردم قرار گرفتند. بعد از اعلام استقلال چین، یک مفتی اعظم توسط شورای عالی مذهبی به منظور انجام امور مذهبی مردم، برای مدت ۵ سال انتخاب شد.^۲ به دنبال آن مساجد و مدارس اسلامی زیادی ساخته شد و یک دانشگاه اسلامی در گروزی افتتاح گردید.

قانون اساسی این جمهوری که در ۱۷ مارس ۱۹۹۳ تدوین شده، بر مذهب‌گرایی مردم تأکید می کند، اما هیچ ذکری از دین اسلام نبرده است.^۳ اگرچه قانون اساسی، آزادی مذهب و تفاوت مذهبی را به رسمیت شناخته و مفتی اعظم این جمهوری، محمد بشیرحاجی نیز حمایت خودش را از دموکراسی و آزادی مذهبی اعلام کرده است،^۴ اما بافت تماماً اسلامی جامعه به نحوی است که این جمهوری را از بافت مسیحی روسیه متمایز می سازد. در مورد گرایش به مذهب مردم چین، باید اظهار شود که این گرایش بیشتر جنبه سنتی دارد تا اصول‌گرایانه و بدین لحاظ به هنگام برخورد مذهب با سنتهای قومی - فرهنگی، تمایلات به سوی سنت‌های قومی - فرهنگی میل می کند. مطالعات تاریخی نیز نشان می دهد که نقش سنت بیشتر از مذهب در این جمهوری ریشه دارد و مذهب همانند سنت‌ها و آداب و رسوم، جزئی از هویت مردم چین می باشد و رهبران چین از اسلام به عنوان وسیله‌ای برای بسیج و متحد کردن مردم در مقابل روسیه استفاده می کنند.

بعد از فروپاشی شوروی، به علت افزایش بی ثباتی، فقر، بیکاری، و بی عدالتی در این جمهوری زمینه رشد و توسعه نگرشهای افراطی دینی همانند وهابیت که بُعدی ضدروسی

1. Ibid.

2. Ibid.

3. Ibid.

4. Ibid.

دارد، فراهم گردید.^۱ آنها هدف خود را همانند امام شامل تشکیل یک کشور اسلامی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین شمال قفقاز اعلام کرده‌اند. حمله اخیر آنها به داغستان در سالگرد دستگیری امام شامل توسط روسیه در ۱۴۰ سال قبل در قلعه گونیب، که منجر به بحران اخیر بین چین و روسیه شد، مؤید این هدف می‌باشد.

در مورد عامل مذهبی و دخالت روسیه، نظر دیگری نیز مطرح می‌باشد. این نظر از رقابت بین فرق مذهبی داخلی در چین و تلاش بعضی نیروها برای تقویت و تحریک اختلافات مذهبی بین مسلمانان از یک سو و مسلمانان و مسیحیان از سوی دیگر سخن به میان می‌آورد و طی آن ادعا می‌شود که تفرقه مزبور، روسیه را به دخالت در چین مصرتراً می‌کند؛ و این واقعیت مهمی است که نباید به سادگی از کنار آن گذشت. بازیگران این نقش تفرقه‌ساز داخلی، گروه‌های وهابی هستند که با گروه‌های صوفی ساکن در منطقه در دو جهت متضاد اسلام قرار دارند. صوفی‌ها دارای ریشه‌های چندصدساله در چین، اینگوش و داغستان بوده، در طول تاریخ زندگی مسالمت‌آمیزی با مسیحیان داشته‌اند. اما وهابی‌ها سنت‌گرایان افراطی اسلامی هستند که فاقد تساهل مذهبی بوده، روس‌ها را کافر دانسته، مخالف هرگونه نوآوری در دین اسلام می‌باشند. محمدبن عبدالوهاب مؤسس جنبش وهابیت بیشتر از همه با مکتب تصوف مخالف بود؛^۲ زیرا در آن وساطت قدیسان بین مسلمانان و خدا وجود داشته، مراسم خاصی به نام ذکر، همراه با رقص و آواز برگزار می‌گردد و در جریان آن مرتباً الله ذکر می‌شود. بدین دلیل، به گفته گرهارد ماور جنگ کنونی در شمال قفقاز جنگ بین روس‌های غیرمذهبی و مسلمانان نیست. این جنگ در حقیقت درگیری بین دو طرز تفکر رقیب در اسلام است.^۳

اگرچه جایگاه قوی گروه‌های صوفی نقشبندیه و قادریه تاکنون فضای بسیار کمی به وهابی‌ها داده است، اما اوضاع بی‌ثبات منطقه و افزایش فقر و بیکاری می‌تواند زمینه نفوذ هرچه بیشتر آنها را فراهم سازد؛ که به گفته مقامات روسیه پول هنگفتی از مراکز اسلامی خارجی به حساب آنها واریز می‌شود.^۴ نفوذ آنها ممکن است منجر به افزایش خصومت و

1. Editorial, August 31, 1999.

۲. دمتری کولیک، تریبونا، ۹ سپتامبر ۱۹۹۹.

۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۷۸/۵/۲۷، به نقل از روزنامه اتریشی ناخریشتن به قلم گرهارد ماور.

۴. سوتلانا نوریالای، تریبونا، ۲۷ ماه مه ۱۹۹۸.

درگیری بین مسلمانان و مسیحیان گردد که مدتها با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. تحقق این امر در درازمدت نه تنها امنیت روسیه، بلکه امنیت کل منطقه را به خطر خواهد افکند.

عوامل خارجی واگرایی

در ریشه‌یابی بحران روسیه و چین می‌توان جای پای مؤثر عوامل خارجی را نیز پیدا کرد. بنابه گزارش پژوهشکده استراتژیک ارتش آمریکا، اگر نیروهای نظامی دو کشور آمریکا و روسیه و یا نیروهایی به نمایندگی از طرف آنها، قرار باشد به عنوان یک رقیب و یا برای تحقق صلح در منطقه‌ای رودرروی هم قرار بگیرند، این منطقه قفقاز خواهد بود و یکی از علل بروز چنین حادثه‌ای وجود انرژی در این منطقه است.^۱ دولت آمریکا بحران چین را زمینه مناسبی برای پیگیری منافع راهبردی خود به منظور پیوند این منطقه با علائق سیاسی، اقتصادی و نظامی خود می‌بیند. هدف آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور، بیرون راندن روسیه از منطقه استراتژیک قفقاز، کوتاه کردن دست این کشور از بنادر دریاهای سیاه و خزر و کنترل منابع انرژی حوزه خزر و مسیرهای انتقال آن، با عقب راندن روسیه به مرزهای قرن شانزدهم یعنی مرزهای دوران ایوان چهارم است. لذا آمریکا تلاش می‌کند تا با حمایت از جریانهای تندرو اسلامی در منطقه، نواری از دولتهای کوچک در اطراف مرزهای روسیه ایجاد کرده، زمینه تضعیف و احتمالاً تجزیه آن را در درازمدت فراهم سازد. بنابه ادعای مقامات کرملین، آمریکا و بعضی از کشورهای منطقه مثل ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان و طالبان به مبارزان شمال قفقاز کمک می‌کنند.^۲ سازمان اطلاعات روسیه بعد از شکل‌گیری بحران اخیر گزارش داد که کمیته ویژه‌ای در وزارت امور مذهبی عربستان سعودی برای ایجاد هماهنگی در سطح بین‌المللی، انجام تبلیغات و جذب کمک‌های مادی به نفع مسلمانان چین، تشکیل شده است.^۳ «خطاب» یکی از فرماندهان مبارزین مسلمان در بحران اخیر که گفته می‌شود وابسته به جنبش وهابیت و عرب تبار است در یک مصاحبه تلفنی با تلویزیون الجزیره از تلاشهای گسترده بن‌لادن، ناراضی ثروتمند عربستان سعودی برای کمک به مبارزین چینی و

۱. روزنامه زمان، چاپ ترکیه، ۱ سپتامبر ۱۹۹۸.

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۷۸/۵/۳۰.

همچنین از رزمندگانی که از دیگر کشورهای منطقه به صفوف مبارزین پیوسته‌اند، تشکر کرد.^۱ ایگور ایوانوف، وزیر خارجه روسیه نیز آمریکا را عامل بی‌ثباتی در منطقه قفقاز شمالی اعلام کرد و مدعی شد که آمریکا قصد دارد با ایجاد اغتشاش در این منطقه از آب گل‌آلود ماهی بگیرد.^۲ کاخ سفید در مقابل، این ادعای روس‌ها را که آمریکا حامی جدایی‌طلبان چچن است، به دلیل ضدآمریکایی بودن جدایی‌طلبان اسلام‌گرای چچن و اسامه بن‌لادن تکذیب کرد.

بنابه ادعای مقامات روسیه، آمریکا و ترکیه سعی می‌کنند با ناآرام کردن بخش‌های حیاتی این کشور در مجاورت دریای خزر - داغستان و چچن - که خطوط لوله‌های نفت و گاز این کشور^۳ از این منطقه عبور کرده و یکی از مسیرهای مطرح برای انتقال منابع انرژی حوزه خزر به جهان خارج است، شاه‌رگ نفتی این کشور را قطع نموده، زمینه را برای عبور خطوط لوله نفت و گاز این حوزه از مسیر ترکیه فراهم سازند. امضای توافقنامه مربوط به احداث خط لوله باکو - جیحان توسط کلیتتون با کشورهای ترکیه، گرجستان و آذربایجان در جریان اجلاس امنیت و همکاری اروپا در استانبول^۴، که بررسی بحران چچن یکی از موضوعات اصلی مطرح در آن بود، در این راستا قابل ارزیابی است و نشان می‌دهد که واشنگتن برای رسیدن به اهداف خود حتی از تشدید بحران چچن و تبدیل آن به افغانستان دوم برای روسیه روی‌گردان نیست.

گفتار سوم - استراتژی روسیه در قبال بحران اخیر در چچن

با ورود دوباره نیروهای نظامی روسیه به خاک چچن، این سؤال مطرح می‌شود که آیا وضعیت در حال حاضر با بحران سال‌های ۹۶-۹۴ بین دو طرف که منجر به یک بن‌بست، به نفع چچن شد، تفاوت کرده است؟ در پاسخ باید یادآور شد که بحران اخیر با اقدامات فرماندهان نظامی چچنی علیه روسیه آغاز شد. این بار بر خلاف بحران گذشته که روسیه در افکار عمومی، دولتی متجاوز بود؛ قربانی تروریسم است و حق دارد برای دفاع از خود و

1. Iran Daily, Oct 24, 1999.

۲. خرداد، دوشنبه ۱ آذر ۱۳۷۸، شماره ۲۷۸.

۳. خط لوله باکو - نوروسیسک برای روسیه یکی از مهمترین محورهای انتقال نفت و گاز حوزه خزر به جهان خارج می‌باشد. بعد از ناامن شدن چچن، این کشور در ماه مه ۱۹۹۹ شروع به احداث خط لوله تنگیز (قزاقستان) به نوروسیسک کرد که قرار است چچن را دور زده، از جمهوری داغستان عبور نماید. اما با حمله مبارزین چچنی به رهبری شامیل باسایف به داغستان، احداث این پروژه نیز به خطر افتاد.

۴. صبح امروز، یکشنبه، ۳۰ آبان ۱۳۷۸.

سرکوب تروریست‌ها به اقدام نظامی متوسل شود.

از نظر مقامات مسکو اکنون چچن یک جمهوری ورشکسته است. اقتصاد آن غیرکارآمد بوده، دولت مرکزی کنترلی بر مناطق تحت اختیار خود ندارند و $\frac{1}{3}$ از جمعیت آن به دلیل سخت بودن شرایط زندگی به دیگر بخشهای فدراسیون روسیه مهاجرت کرده‌اند.^۱ لذا با اعمال فشار بر چچن و متقاعد کردن مردم این جمهوری به اینکه، در صورت پیوند دوباره با فدراسیون روسیه زندگی بهتری خواهند داشت؛ می‌توان وضعیت را به نفع دلخواه تغییر داد. علاوه بر این روسیه در جنگ جدید علیه چچن، دو درس استراتژیک از جنگ قبلی گرفته‌است.

درس اول، اهمیت جنگ تبلیغاتی به میزان جنگ نظامی است. ژنرالهای روسی بعد از سال ۹۶ بارها تکرار کرده‌اند که جنگ را به‌خاطر روزنامه‌نگاران و مطبوعات روسیه باختند. در آن زمان بخش عمده مطبوعات این کشور مخالف جنگ بوده، تصویر ناخوشایندی از جنگ در افکار عمومی ترسیم می‌کردند.^۲ ولی اکنون مسکو تلاش می‌کند سیاست اطلاعاتی-خبری خود را براساس تجربه جهان غرب در بحران کوزوو اعمال کند. لذا تنها نمایندگان آزموده و با تجربه رسانه‌های گروهی دولتی را به منطقه عملیات جنگی راه داده، برای تصفیة اطلاعات، نهاد ویژه‌ای به نام «مرکز اطلاعات روسیه»^۳ تأسیس کرده است.^۴ برای اولین بار مطبوعات به طور هماهنگ عمل کرده، ژنرالهایی که سه سال پیش به عنوان دشمنان اصلی مردم روسیه نشان داده می‌شدند؛ به قهرمانان اصلی تلویزیون و صفحات اول مطبوعات تبدیل شده‌اند و در مقابل جنگجویان چچنی تبهکار، تروریست و دیوانگان مذهبی معرفی می‌شوند.

درس مهم دیگر این است که روسیه این بار سعی دارد به‌طور حساب شده و با کمترین تلفات و بدون تحریک افکار عمومی، براساس توان خود، به تدریج اهداف خود را پیش ببرد. در سال ۹۴ نیروهای زمینی این کشور به سرعت به سمت گروزنی پیشروی کردند ولی در مقابل حملات چریکی در حومه گروزنی و کوههای اطراف به بن‌بست رسیده، افراد

1. CBC News Online, Interview with Sergei Plekhanov, Expert on Russian Affairs and Head of Post Communist Studies at York University in Toronto in the Internet, oct 5, 1999.

2. Economist, Sep, 4, 10, 1999.

3. Russia Information Center

4. Ibid



غیرنظامی زیادی در جنگ کشته شدند.^۱ اما اکنون در اطراف گروزی موضع گرفته و با انجام حملات هوایی و توپخانه و بدون کمترین تلفات قصد دارند گروزی را تصرف نمایند.

در حقیقت عملیات اخیر، تلاش برای آزمایش و استقرار یک دکترین جدید نظامی برای نیروهای نظامی این کشور است. جنگ اخیر نمونه‌ای کوچک از آزمایش توانایی نیروهای این کشور در جنگ با مقیاس گسترده‌تر است. پیش‌نویس دکترین نظامی جدید روسیه که در اواخر سال ۹۸ تدوین شده بود و در ماه اکتبر گذشته منتشر شد^۲؛ نشان‌دهنده بازگشت به سمت دکترین نظامی شوروی است. دکترین قبلی روسیه که در ۲۷ ماه مه ۹۴ تدوین شده بود^۳؛ مهمترین تهدیدات را علیه این کشور شورشی‌های داخلی می‌دانست. اما دکترین جدید براساس دیدگاه‌های ضدغربی تدوین شده، بر حق این کشور برای استفاده نخست از سلاح‌های هسته‌ای در هنگام مواجه شدن با تهدید و بر افزایش بودجه نظامی به منظور دستیابی به فن‌آوری و تسلیحات پیشرفته نظامی تأکید دارد.

نکته مهم دیگر در بحران اخیر، نقش پوتین نخست‌وزیر جدید روسیه است. وی چچن را یک فرصت مناسب به منظور مطرح کردن خود در صحنه سیاسی روسیه و بهره‌برداری برای انتخابات آینده ریاست جمهوری، با سرکوب تروریسم و اعاده کنترل این کشور بر جمهوری چچن می‌بیند. پوتین از حمایت سرویس امنیت فدرال روسیه و وزیر دفاع این کشور ایگور سرگیف برخوردار است^۴ و بوریس یتلسین با اعطای اختیارات کامل به وی و با کنار کشیدن خود از مسئولیت احتمالی در صورت شکست عملیات نظامی، تصمیم مشخصی در مورد بحران نگرفته است.

گفتار چهارم - پیامدهای بحران برای روسیه و کشورهای منطقه

مناقشه چچن و آواره شده صدها هزار نفر از مردم آن در جمهوری‌های همجوار، باعث تأثیرات امنیتی گسترده‌ای برای روسیه و دیگر کشورهای منطقه خواهد شد. دخالت نظامی

1. Oxford Analytica Daily Brief, Nov 5, 1999.

2. Ibid

3. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، «تحلیلی بر استراتژی روسیه در قرن بیست‌ویکم»، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۷۷.

4. Oxford Analytica Daily Brief, Oct 11, 1999.



روسیه در چچن و نقض گسترده حقوق بشر به اعتبار دموکراتیک روسیه لطمه زده، باعث خواهد شد بحران مذکور توسط کشورهای جامعه مستقل مشترک‌المنافع به عنوان بخشی از روند سیاست امنیتی روسیه به سوی گرایشهای ملی‌گرایانه و احیای دوباره امپراتوری سابق تلقی شود؛ که این امر موجب جدایی بیشتر جمهوری‌های تازه‌استقلال یافته از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و واگرایی جوامع غیرروس در فدراسیون روسیه خواهد شد. تشکیل نشست سران ۵۴ کشور عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا در تاریخ ۲۷ آبان‌ماه سال جاری (۱۸ نوامبر) در استانبول^۱ بار دیگر نشان داد اگرچه غرب در صدد تضعیف دولت یلتسین نیست و به‌طور کلی لحن ملایمی در ارتباط با مسایل مربوط به حقوق بشر و صدماتی که شهروندان غیرنظامی در چچن با آن روبه‌رو هستند؛ اتخاذ خواهد کرد؛ اما در عین حال به‌طور ضمنی تهدید کرده است که در صورت عدم موافقت دولت روسیه با توقف حملات و انجام مذاکره برای حل مسالمت‌آمیز بحران، کمک‌های فنی و مالی خود را به این کشور متوقف خواهد کرد.^۲

عدم موفقیت روسیه در سرکوب مبارزین چچنی، احتمالاً منجر به افزایش اعمال تروریستی و گسترش بی‌ثباتی به کل منطقه قفقاز و خود فدراسیون روسیه خواهد شد. تحقق این امر در درازمدت می‌تواند به انحلال بافت سیستم فدرال روسیه منتهی گشته، زمینه دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای همچون ناتو را در امور منطقه فراهم سازد. اگر جمهوری چچن استقلال یابد، سرزمینهای مسلمان‌نشین جنوب روسیه با حدود ۲۰ میلیون نفر جمعیت به سمت استقلال طلبی گرایش خواهند یافت.

در صورت موفقیت روسیه در سرکوب مبارزین چچنی، احتمالاً آنها به کشورهای همسایه مثل آذربایجان و گرجستان خواهند رفت. در آن صورت حضور آنها بهانه لازم را به رهبران کشورهای مذکور که خواهان پیوستن به ناتو هستند، خواهد داد تا از نیروهای ناتو تحت عنوان نیروهای حافظ صلح برای دفاع از حاکمیت ملی خود دعوت کنند. شاید یکی از اهداف طراحان فرامنطقه‌ای بحران اخیر، فراهم کردن زمینه دخالت ناتو در منطقه قفقاز بعد از بحران کوزوو باشد.

۱. روزنامه اطلاعات ۲۲ آبان ماه ۱۳۷۸، شماره ۲۱۷۷۷.

۲. روزنامه ابرار، ۱ آذرماه ۱۳۷۸، شماره ۳۲۰۰.

افکار عمومی روسیه هنوز تحت تأثیر بمب‌گذاری‌های تروریستی در شهرهای مختلف روسیه در اوایل مهرماه سال جاری است،^۱ اما ممکن است با افزایش تلفات نیروهای نظامی روسیه و غیرنظامیان تغییر یابد. شکست روسیه در جنگ چچن و تکرار تلخ تجربه جنگ سالهای ۹۴-۹۶ باعث تضعیف موقعیت اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده دوما و ریاست جمهوری روسیه به نفع نیروهای ملی‌گرا و کمونیست خواهد شد. تحقق این امر به روند تحولات منطقه و روسیه جهت دیگری خواهد بخشید.

نتیجه‌گیری

بحران چچن معضلی مرکب از عوامل متعدد است. اگرچه نمی‌توان تحریکات و کمک‌های خارجی را در ایجاد و تداوم آن نادیده گرفت، اما باید اذعان کرد که عوامل داخلی آن به مراتب قوی‌تر است و زمینه را برای بهره‌برداری قدرت‌های خارجی فراهم می‌سازد. این بحران ریشه در عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قومی دارد. علی‌رغم صورت ظاهری پیوستگی این جمهوری به روسیه، در واقع و باطن امر، مردم آن از روس‌ها جدا و بیگانه بوده‌اند. حافظه تاریخی مردم این جمهوری انباشته از ظلم و تبعید، تحقیر و قتل‌عام توسط روس‌ها است. به قول سرگئی کازانوف، تحلیلگر مؤسسه امنیت ملی و استراتژیک مسکو دولت روسیه باید راه‌حل منطقی و مسالمت‌جویانه برای رفع کدورت‌ها و از بین بردن زمینه بحران بیابد. روسیه در خلال سالیان گذشته سیاستهایی را که باعث شود مردم این جمهوری احساس روسی بودن کنند، تعقیب نکرده است. همین امر باعث شده، که آنها با روسها هرگز احساس هویت مشترک نیابند. معکوس کردن روند مذکور مستلزم سرمایه‌گذاری کلان اقتصادی و تصویب طرحهای جدید سیاسی برای این جمهوری است و به‌نظر نمی‌رسد که هیچ‌یک از اینها در روسیه امروز امکان‌پذیر باشد.

به‌طور کلی بحران مذکور تبدیل به معضل مهمی برای فدراسیون روسیه، مردم چچن و جامعه بین‌المللی شده است. از دیدگاه مسکو، حرکت استقلال‌طلبانه چچن‌ها به‌عنوان گامی خطرناک در جهت تجزیه مناطق و جمهوری‌های خودمختار این کشور است که اکثریت

1. «Dagestan Conflict: A day - by - Day Timeline», in the Internet, by Center for Defence Information, 1999.

جمعیت آنها غیرروس می‌باشند. جمهوری چین به دلیل سابقه خود مستعد بحران بوده و وجود بحران و عدم برخورد قوی مسکو با آن به مفهوم محدود شدن حوزه امنیتی این کشور می‌باشد. بنابراین ثبات در این جمهوری نه تنها نشانه قدرت روسیه تلقی شده، بلکه آینده سیاسی و اقتصادی آن تا حدود زیادی به تحت کنترل گرفتن این منطقه بستگی خواهد داشت. از سوی دیگر بحران اخیر به یکی از مقولات مهم در صحنه داخلی روسیه تبدیل شده است. نقش نظامیان در شروع و ادامه حملات نظامی و میزان حمایت و پیروی دولتمردان کرملین از خواست آنان، هزینه‌های سنگین عملیات نظامی بر اقتصاد در حال گذار این کشور و تهدید به قطع اعتبارات مالی و کمک‌های فنی از سوی غرب و سازمانهای بین‌المللی، دولت روسیه را در تنگنای مضاعفی قرار داده است.

عزم راسخ دولت روسیه برای اعاده حاکمیت خود بر این جمهوری، به فرض پیروزی کامل نظامی، با توجه به پیشینه تاریخی موجود در روابط دو طرف و وضعیت خاص جغرافیایی منطقه قفقاز شمالی و کوهستانی بودن آن، بعید است که باعث برقراری صلح و آرامش واقعی گردد. پیروزی که از طریق نظامی و در پی بروز یک فاجعه انسانی حاصل شود به نظر نمی‌رسد که مشکل روابط چین‌ها را به عنوان یک ملت با دولت روسیه حل نماید. با توجه به نکات ذکر شده، احتمالاً بحران کنونی در نهایت با دستیابی مسکو و گروزی به یک توافق جدید، متضمن اعطای خودمختاری وسیع‌تر به جمهوری چین و البته در چارچوب فدراسیون روسیه منتهی گردد. اگرچه این راه‌حل ممکن است به لحاظ آنکه آرمانهای مردم چین را محقق نمی‌سازد، مورد رضایت آنها نباشد؛ لکن با توجه به مصائبی که چین‌ها در حال حاضر با آن مواجه هستند، احتمال پذیرش آن زیاد است. در اینجا دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور دوست و همکار نزدیک فدراسیون روسیه و همچنین کشوری که به لحاظ پایگاه مهم اسلامی، از روابط برادری و همبستگی اسلامی با مردم مسلمان چین برخوردار است؛ می‌تواند در نزدیکی دیدگاههای طرفین و برقراری صلح و آرامش در منطقه قفقاز شمالی مؤثر باشد.